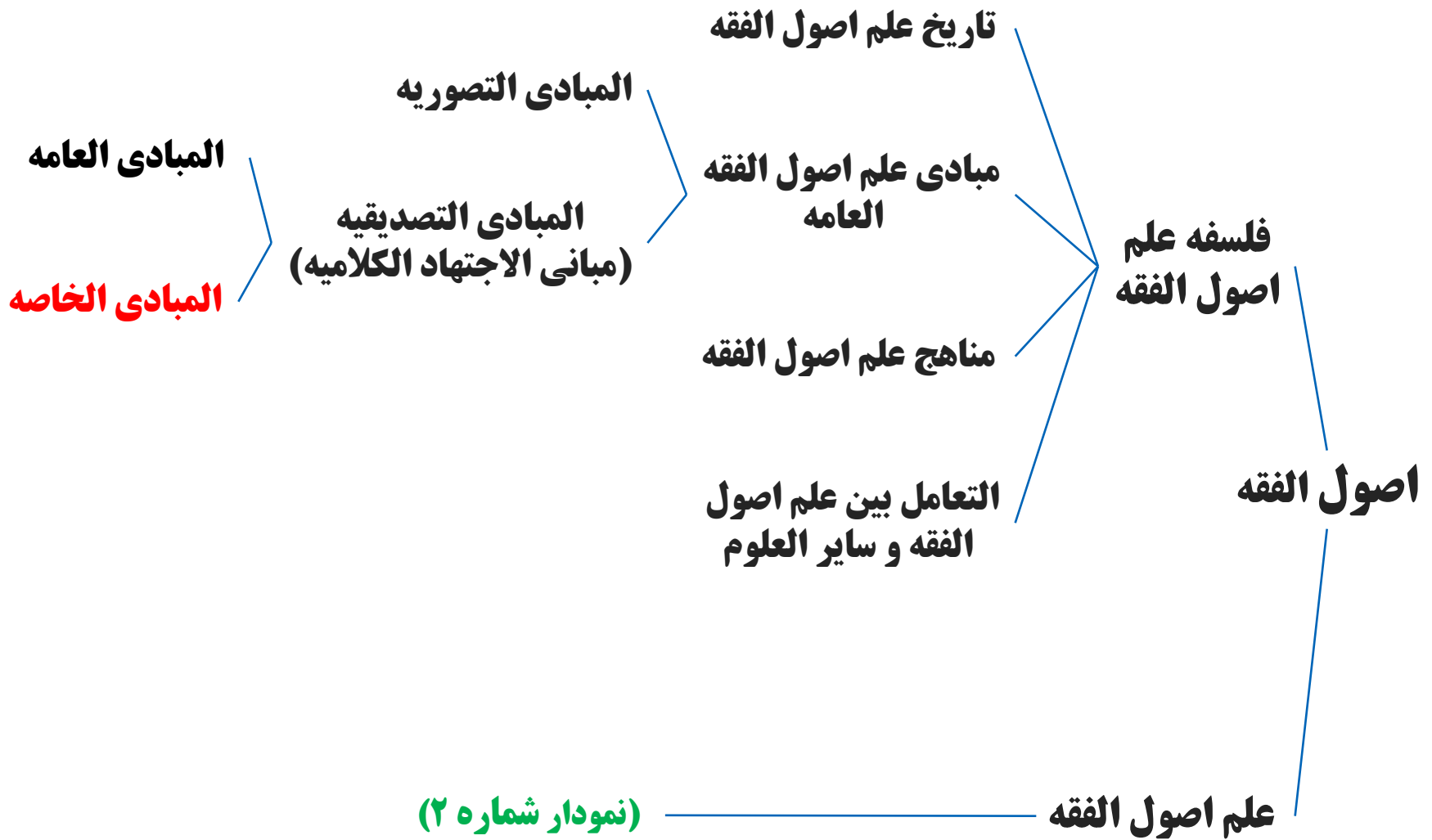


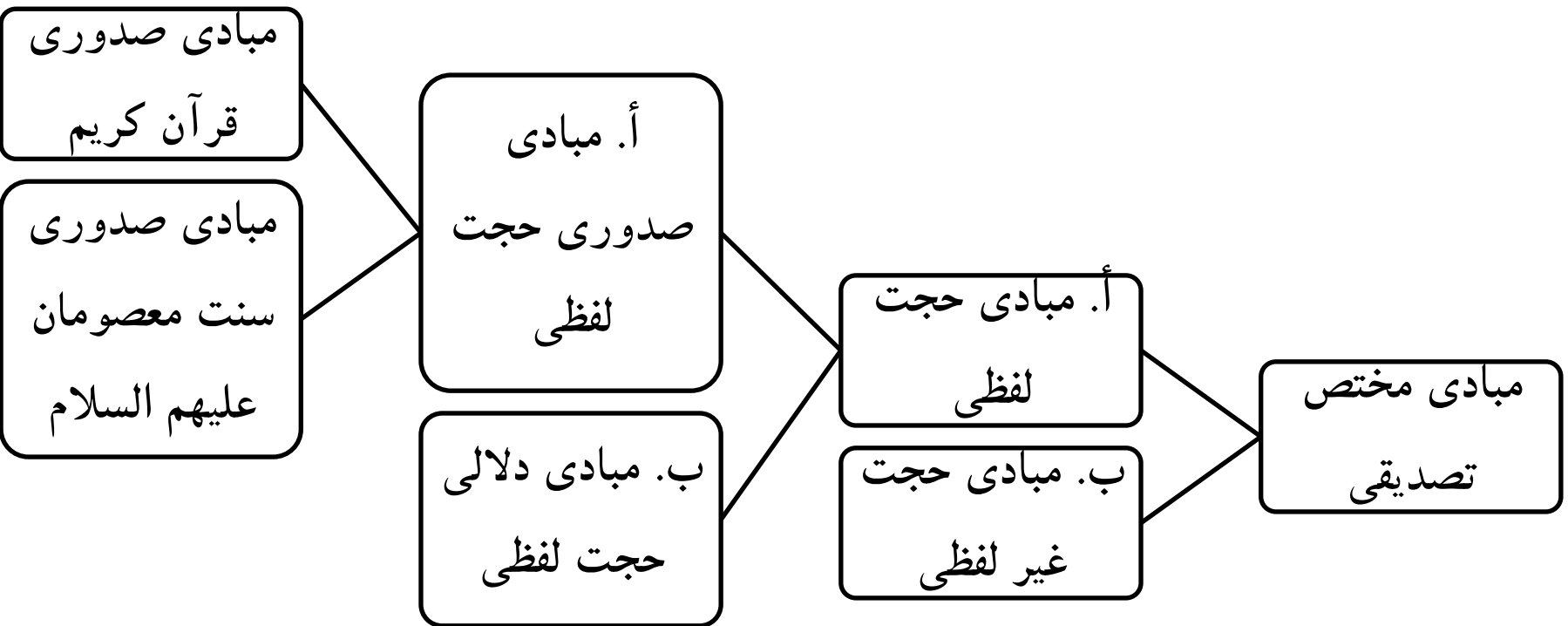
علم أصول الفقه

۱۲-۱۰-۹۰ مبادئ مختص تصديقي ۳۶

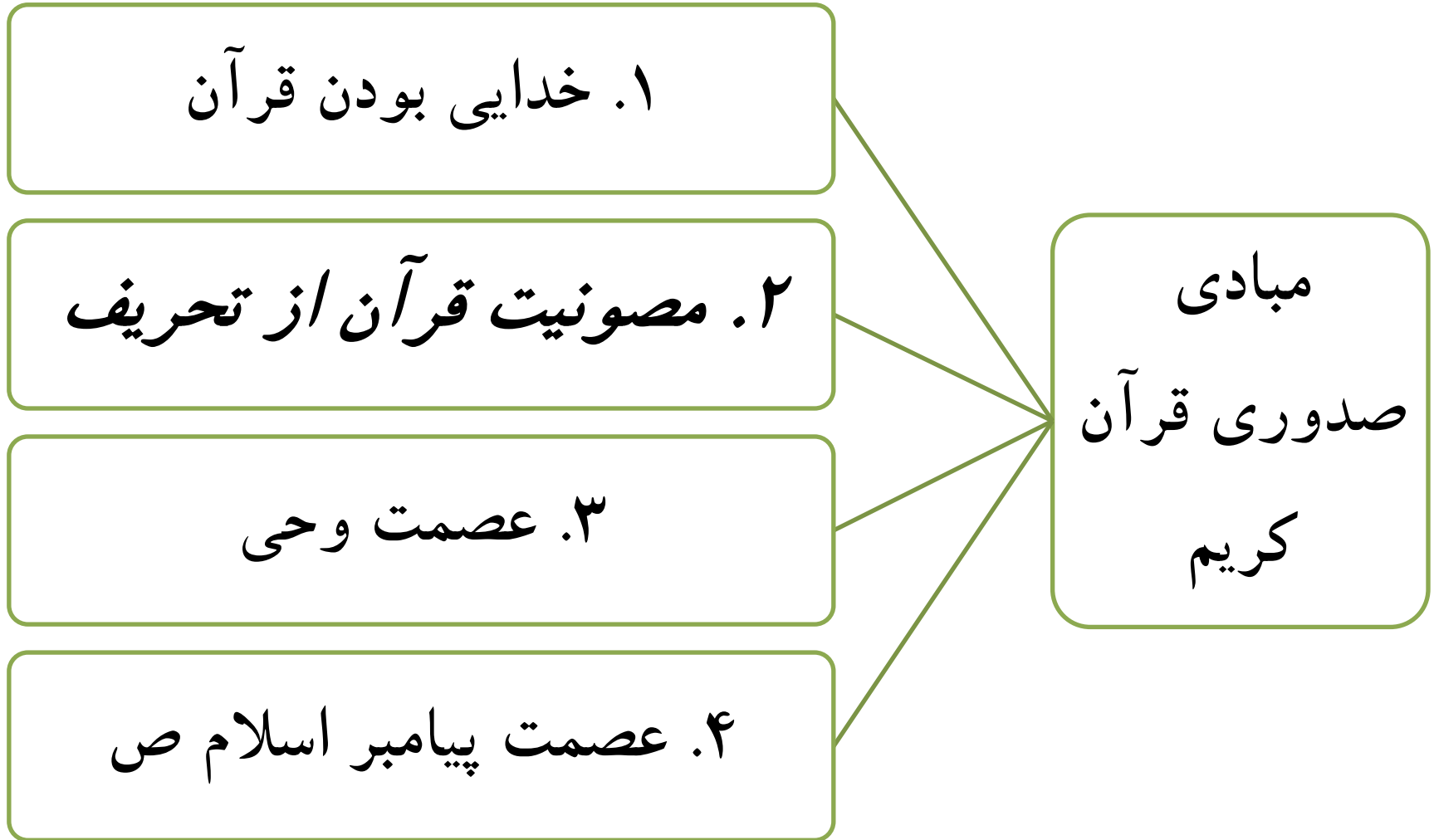
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)

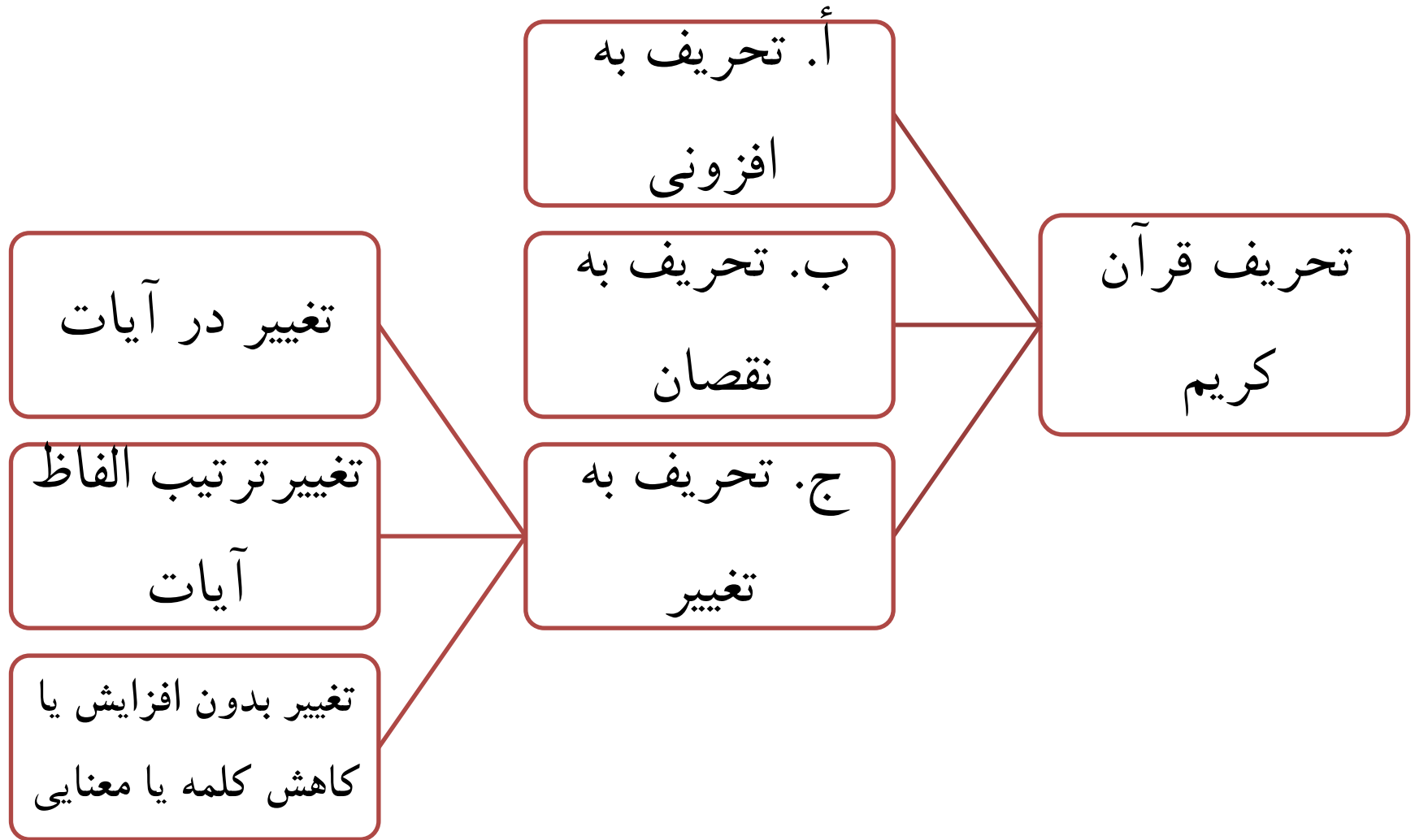




مبای صدوری قرآن کریم



اشکال مختلف تحریف در قرآن



دلایل عدم تحریف قرآن

أ. آیات قرآن

ب. روایات

ج. تواتر قرآن

د. اعجاز قرآن

ه. اجماع

و. دلیل عقلی

دلایل عدم
تحریف قرآن

دلایل عدم تحریف قرآن

۱. روایات عرضه به قرآن

۲. روایات ثقلین

۳. روایات دال بر آثار یا ثواب خاص
قرائت سوره‌های قرآن:

۴. روایات دال بر فضیلت انس با قرآن و
قرائت آن

ب. روایات
مصونیت قرآن از
تحریف

دلایل عدم تحریف قرآن

- از مجموع روایات، مطلب دیگری را که فراتر از مطالب گذشته است، می‌توانیم استفاده کنیم. آن مطلب این است که در نظر ائمه علیهم السلام قرآن تحریف نشده بود و به بیان دقیق‌تر، این روایات به ظاهر مختلف، همگی در این معنا که قرآن از تحریف مصون است، تواتر معنایی دارند.

دلایل عدم تحریف قرآن

- از آن سو، وقتی به روایاتی که مستمسک اخباری‌ها است مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که:

دلایل عدم تحریف قرآن

- اولاً: تعداد این روایات بسیار اندک است.
- ثانیاً: بخشی از آنها قابل تأویل است، یعنی معنای روایات این نبوده که در قرآن دخل و تصرفی شده است.
- ثالثاً: برخی از آنها که دلالت بر تحریف دارند، اضافه بر این که سنداً مخدوش هستند، به لحاظ دلالت نیز بسیار بسیار غیر معقولند.

دلایل عدم تحریف قرآن

أ. آیات قرآن

ب. روایات

ج. تواتر قرآن

د. اعجاز قرآن

ه. اجماع

و. دلیل عقلی

دلایل عدم
تحریف قرآن

ج. تواتر قرآن

- قرآنی که در دست ما است، متواتراً به ما رسیده است و از آنجا که این تواتر تا زمان خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله به صورت متصل وجود داشته، پس نه چیزی بر قرآن افزوده شده و نه چیزی از آن کم شده است.

ج. تواتر قرآن

- همان طور که در جای خود بیان شده، برای رسیدن به تواتر باید در تمامی سلسله، از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان ما، قرآن آنقدر نقل شده باشد که ما به یقین برسیم و احتمال تواطیء ناقلان بر کذب را منتفی بدانیم.

ج. تواتر قرآن

- برخی داستان جمع قرآن را به گونه‌ای مورد بررسی قرار دادند که گویا قبل از عثمان تواتری در نقل قرآن وجود نداشته و قرآن محل اختلاف بوده است.
- از این رو، گفته‌اند، عثمان اختلافات نقل‌ها را در قرآن از بین بُرد و قرآن واحدی ایجاد کرد. وی آن قرآن را به تمام سرزمین‌های اسلام فرستاد و بعد از آن همه‌ی قاریان، حافظان و کاتبان قرآن بر اساس همان قرآن، شروع به قرائت، حفظ و آموزش قرآن کردند.

ج. تواتر قرآن

- مسلماً اگر این درست باشد، تواتر در قطعه‌ای از تاریخ شکسته می‌شود، و نمی‌توان متواتر بودن قرآن را ادعا نمود. اما همان طور که در بحث جمع قرآن ذکر نمودیم، قرآن در فاصله‌ی زمانی بین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و عثمان نیز تواتر داشته است و بر اساس اسناد تاریخی متواتر بودن قرآن جزو مسلمات است.

ج. تواتر قرآن

- و لم يختلف اثنان في جمع أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام لكتاب اللّٰهُ على حسب النزول «٢» (٢) فتح الباري ج ٩ ص ٤٣ و إرشاد الساري ج ٧ ص ٤٥٩ و عمدة القارئ للعيني ج ٩ ص ٣٠٤.

ج. تواتر قرآن

- و قد رأى ابن النديم مصحفا بخط علي (ع) عند أبي يعلى حمزة الحسيني يتوارثه بنو الحسن «٣» (٣) الفهرست لابن النديم ص ٤٢. كما ختم جماعة من الصحابة القرآن عدة مرات على النبي (ص) «٤» (٤) تفسير روح المعاني للآلوسي ج ١ ص ٢٤.
- و يحدث محمد بن كعب القرظي ان علي بن أبي طالب و عثمان و ابن مسعود ختموا القرآن و رسول الله صلى الله عليه و آله حتى «٥». (٥) تفسير القرطبي ج ١ ص ٥٨.

ج. تواتر قرآن

- و ابن العربي المالكي الأندلسي لم يتأخر عما عليه صحيح الأحاديث من جمع القرآن بتمامه أيام النبي (ص) و بأمر منه فيقول كان تأليف القرآن ينزل من عند الله تعالى فيبينه النبي لكتابه و يميزه لأصحابه و يرتبه على أبوابه إلا براءة فإنه لم يذكر لهم شيئاً ليتبين للخلق ان الله تعالى يفعل ما يشاء «٦» (٦) احكام القرآن ج ١ ص ٣٦٦.

ج. تواتر قرآن

- و حديث انس بن مالك ينص على ان أربعة من الصحابة جمعوا القرآن على عهد رسول الله (ص) وهم معاذ بن جبل و زيد بن ثابت و أبو زيد أحد عمومته و اختلفت الرواية عنه في الرابع هل هو أبو الدرداء أو أبي ابن كعب «١». (١) صحيح البخاري باب فضائل القرآن و فتح الباري لابن حجر ج ٩ ص ٤٤ باب من جمع القرآن.

ج. تواتر قرآن

- و يستوضح الحاكم النيسابوري جمع القرآن على عهد الرسول (ص) من قول زيد بن ثابت: كنا عند رسول اللّٰه ﷺ نؤلف القرآن من الرقاع «٢» (٢) مستدرک الحاكم ج ٢ ص ٦١١ و يؤكده مجاهرة ابن عمر في جمعه القرآن و قرائته كل ليلة غير ان النبي (ص) امره بقراءته في كل شهر «٣» (٣) إرشاد الساري ج ٧ ص ٤٥٩.

ج. تواتر قرآن

- و ثانياً: لفظ الغزائم مردد بين أن يراد بها خصوص آية السجدة أو تمام السورة، و الأول معلوم و الأخير مشكوك، و لا ريب في أن لجميع تلك السور أسماء خاصة معروفة من أول جمع القرآن، فلو كانت قراءة مطلق الآية منها محرمة لوجب أن يقال: لا تقراً بشيء من سورة (اقرأ) مثلاً، و هذه قرينة على أن المراد خصوص آية العزيمة لا مطلق آياتها.

ج. تواتر قرآن

- جا دارد در اینجا به طرح یک سؤال و جواب آن نیز پردازیم: اگر قرآن متواتراً به دست ما رسیده است، چرا در قرائت برخی آیات اختلاف وجود دارد؟

ج. تواتر قرآن

- اما قبل از پاسخ به این سؤال باید توجه داشته باشیم که در خیلی موارد، اختلاف در قراءات، تأثیر چندانی در معنا ندارد و با تغییر قرائت، معنا تغییر نمی‌کند، مگر یک تغییر جزئی که در نهایت از معنای قبلی فاصله نمی‌گیرد؛ مثل اختلافی که بین قرائت مالک یوم الدین و ملک یوم الدین در سوره‌ی مبارکه‌ی حمد وجود دارد. بنابراین مواردی که اختلاف در قرائت، تأثیر در معنا هم داشته باشد، خیلی محدود است.

ج. تواتر قرآن

- اما در مورد اختلاف در قرائت دو نظر وجود دارد:
- أ. یکی از این قرائت‌ها واقعاً وحی است و دیگری (یا دیگران اگر چند قرائت باشد) وحی نیست.
- ب. همه‌ی قرائت‌های مربوط به یک آیه، وحیانی است.

ج. تواتر قرآن

- برخی گفته‌اند: بعضی آیات قرآن دو بار (یا چند بار) و در هر بار به یک شکل وحی شده‌اند و حتی خود پیامبر آیه را به همه‌ی قراءاتش تلاوت می‌فرموده تا نشان دهد که همه‌ی آنها وحیانی است.
- بنا بر این مطلب، نظر دوم مورد تأیید قرار می‌گیرد و در نتیجه جواب سؤالی که مطرح شد، واضح می‌گردد؛ چه همه‌ی این قراءات به تواتر به ما رسیده و همگی همان چیزی هستند که بر پیامبر وحی شده‌اند.

ج. تواتر قرآن

- برخی نیز نظر اول را پذیرفته‌اند ولی در عین حال به لحاظ فقهی قایل شده‌اند که همه‌ی این قراءات، مادامی که از قراءاتی باشد که به تواتر به ما رسیده، مجزی است.
- یعنی اگر کسی در نماز مالک یوم الدین بگوید، نمازش صحیح است و اگر ملک یوم الدین نیز بگوید، نمازش صحیح است.
- همین طور در هر جا که قرآن شرط صحت عمل باشد، آیه به هر قرائت خوانده شود، کفایت می‌کند.

ج. تواتر قرآن

- به عبارت دیگر این گروه به لحاظ نظری قایل به و حیانی بودن یکی از این قراءات هستند؛ اما در مقام حل مشکل فقہی، هر قرائتی را به شرط تواتر آن مجزی می دانند.

ج. تواتر قرآن

- مسألة ٢٢٧: يجب أن يقرأ بالمتواتر من القراءات و هي السبعة، و لا يجوز أن يقرأ بالشواذ، و لا بالعشرة، و جوز أحمد قراءة العشرة، و كره قراءة حمزة و الكسائي من السبعة، لما فيها من الكسر و الإدغام «٤».
- و يجب أن يقرأ بالمتواتر من الآيات و هو ما تضمنه مصحف علي عليه السلام؛ لأن أكثر الصحابة اتفقوا عليه، و حرق عثمان ما عداه، فلا يجوز أن يقرأ بمصحف ابن مسعود، و لا أبيّ، و لا غيرهما، و عن أحمد رواية بالجواز إذا اتصلت به الرواية «٥»، و هو غلط لأن غير المتواتر ليس بقرآن.
- (٥) المغنى ١: ٥٧١، الشرح الكبير ١: ٥٧١.

ج. تواتر قرآن

- ١٥ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع - عَنْ تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ قَالَ اقْرَءُوا كَمَا عَلَّمْتُمْ.

- الكافي / ٥٠٤ / ٦ / [١ / ١] : () على بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن سفیان بن السمط عن أبي عبد الله ع قال

ج. تواتر قرآن

- وسائل الشيعة / ٦٠ / ٢ [١ / ٢٥ / ١٤٨٠] : محمد بن يعقوب عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن سفيان بن السمط عن أبي عبد الله ع قال
- وسائل الشيعة / ٦١ / ٢ [١ / ٢٥ / ١٤٨٤] : محمد بن علي بن الحسين [تعليق] في ثواب الأعمال عن محمد بن الحسن عن الصفار عن محمد بن عيسى عن أبي أيوب المديني عن ابن أبي عمير عن سفيان بن السمط عن أبي عبد الله ع قال

ج. تواتر قرآن

• ٢٣ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ (أَبِي) سَلَمَةَ قَالَ: قَرَأَ رَجُلٌ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ أَنَا أَسْتَمِعُ حُرُوفًا مِّنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلَيَّ مَا يَقْرَأُهَا النَّاسُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ كَفَّ عَن هَذِهِ الْقِرَاءَةِ أَقْرَأَ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ عَ فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَ قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيَّ حِدَّهُ وَ أَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلَيَّ عَ وَ قَالَ أَخْرَجَهُ عَلَيَّ عَ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَغَ مِنْهُ وَ كَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ صٍ وَ قَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقَالُوا هُوَ ذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَدًا إِنَّمَا كَانَ عَلَيَّ أَن أَخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَءُوهُ.

ج. تواتر قرآن

- ٧٦٣١ - ٢ - «١» وَ عَنِ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّا نَسْمَعُ الْآيَاتِ مِنَ الْقُرْآنِ - لَيْسَ هِيَ عِنْدَنَا كَمَا نَسْمَعُهَا - وَ لَا نُحْسِنُ أَنْ نَقْرَأَهَا كَمَا بَلَّغْنَا عَنْكُمْ فَهَلْ نَأْتُمُ - فَقَالَ لَا اقْرَأُوا كَمَا تَعَلَّمْتُمْ فَسَيَجِيئُكُمْ مَنْ يُعَلِّمُكُمْ.
- (١) - الكافي ٢ - ٦١٩ - ٢.

ج. تواتر قرآن

- ٧٦٣٢ - ٣ - «٢» وَ عَنْهُمْ عَنْ سَهْلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ - قَالَ اقْرَءُوا كَمَا عَلَّمْتُمْ.

- (٢) - الكافي ٢ - ٦٣١ - ١٥

ج. تواتر قرآن

• ٧٦٣٣ - ٤ - «٣» وَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ (دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ) «٤» وَالْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ جَمِيعاً قَالُوا كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ: - إِنْ كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ لَا يَقْرَأُ عَلَيَّ قِرَاءَتِنَا فَهُوَ ضَالٌّ - ثُمَّ قَالَ أَمَّا نَحْنُ فَنَقْرُؤُهُ عَلَيَّ قِرَاءَةَ أَبِي.

• (٣) - الكافي ٢ - ٦٣٤ - ٢٧.

• (٤) - في المصدر - عبد الله بن فرقد، و في نسخة من هامش المخطوط - أبي عبد الله بن فرقد.

ج. تواتر قرآن

- شایان ذکر است که اگرچه بحث تفصیلی اختلاف قراءات و دلایل هر دو گروه، مجال دیگری می‌طلبد، اما با توجه به مجموع ادله‌ای که برای عدم تحریف قرآن اقامه می‌شود، در می‌یابیم که هر آنچه به عنوان قرائت آیه‌ای از قرآن، متواتراً به ما رسیده، و حیانی است. مجموع ادله به ما می‌آموزد که چیزی به قرآن افزوده و یا از آن کاسته نشده و هیچ تغییری در ترتیب مطالبش داده نشده است. با این وصف نتیجه می‌گیریم که همه‌ی قراءات و حیانی است و تصرفی در آنها صورت نگرفته است.

ج. تواتر قرآن

- در کتاب‌های علوم قرآنی، بحث تحریف قرآن و بحث قراءات مختلف، هر یک به صورت مستقل و جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. از این رو، در یک جا به اثبات عدم تحریف قرآن پرداخته‌اند و در جای دیگر مسأله‌ی قراءات مختلف را مطرح کرده‌اند. اما با توجه به عدم تحریف قرآن، می‌توان قول «وحيانی بودن تمامی قراءات متواتر» را تقویت نمود.

دلایل عدم تحریف قرآن

أ. آیات قرآن

ب. روایات

ج. تواتر قرآن

د. اعجاز قرآن

ه. اجماع

و. دلیل عقلی

دلایل عدم
تحریف قرآن

د. اعجاز قرآن

- در قبل به استناد اعجاز قرآن از حیث لفظ، محتوا و آورنده‌ی آن، وحیانی بودن قرآن را چه از جهت لفظ و چه از جهت محتوا و معانی اثبات نمودیم.

د. اعجاز قرآن

- علامه طباطبایی با افزودن نکته‌ای، عدم تحریف قرآن را نیز از این بحث نتیجه گرفته‌اند.
- ایشان می‌فرمایند: وقتی به قرآن موجود مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که آنچه در مورد اعجاز قرآن گفته شده، در این کتاب وجود دارد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن موجود، همان چیزی است که بر پیامبر نازل شده و در طول تاریخ هیچ تغییر، افزایش یا کاهش در آن رخ نداده است.

د. اعجاز قرآن

- وجوه اعجاز در دلالت بر عدم تحریف قرآن با همدیگر تفاوت دارند. برخی از آنها در این مقام، از وضوح بیشتری برخوردار هستند. از این رو، لازم است به میزان دلالت هر یک از آنها برای اثبات عدم تحریف در قرآن پردازیم.

د. اعجاز قرآن

- در بحث اعجاز قرآن به لحاظ آورنده‌ی آن، تأکید بر این است که مطالب قرآن نمی‌تواند مجعولات شخص پیامبر با توجه به ویژگی‌های شخصی، اجتماعی و تاریخی وی باشد.
- اگر مقصود از مطالب قرآن، محتوای آن باشد که معمولاً هم همین گونه است و در بحث محتوا هم ناظر به مطالب علمی موجود در قرآن باشیم که از پیشرفته‌ترین علوم زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جلوتر بوده است، در این صورت، اعجاز به لحاظ آورنده فقط دلالت می‌کند بر این که در حیطه‌ی این مطالب در قرآن کاستی یا افزونی اتفاق نیفتاده است.

د. اعجاز قرآن

- اما اگر مطالب را به ساحت دیگر نیز سرایت دهیم به گونه‌ای که اخبارات غیبی و... را نیز در بر گیرد، دایره‌ی استدلال گسترش می‌یابد.

- همین طور اگر بگوییم پیامبر با ویژگی‌های خویش نمی‌توانسته از خود چنین الفاظ و عباراتی جعل کند، باز تمسک به این وجه برای اثبات ادعا، افزایش بیشتری می‌یابد.

د. اعجاز قرآن

- اما واضح است در این صورت مرز بین اعجاز به لحاظ آورنده و اعجاز محتوایی یا اعجاز به لحاظ آورنده و اعجاز لفظی، از بین می‌رود. در واقع ما بحث را به این ساحت کشانده‌ایم که هیچ بشری - و نه فقط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - نمی‌توانسته چنین الفاظی را ایجاد نماید و این ویژگی مربوط به لفظ خواهد بود و تمسک ما به اعجاز لفظی قرآن. و چنین چیزی «اعجاز به لحاظ آورنده» به معنای خاص کلمه نیست.

د. اعجاز قرآن

- در اعجاز محتوایی قرآن نیز مسأله همین گونه است. در همان حیطه‌ای که اعجاز محتوایی را می‌پذیریم، می‌توانیم تحریف را از قرآن نفی نماییم. اگر این وجه از اعجاز اخبارات غیبی یا علوم جدید و یا معارف بشری را در بر گیرد و حیطه‌ی علوم و داده‌های قرآنی، اطلاعات فلسفی، تاریخی و... را شامل شود به گونه‌ای که تمامی محتوای قرآن را در بر گیرد، می‌توانیم مصونیت تمام قرآن از تحریف را اثبات کنیم.

د. اعجاز قرآن

- اما مهم-ترین وجهی که در اثبات ادعا از همه مؤثرتر است، اعجاز لفظی قرآن می‌باشد. اعجاز لفظی قرآن مربوط به کل قرآن است و به بخشی از آن و یا به مجموعه‌ای از آیات ارتباطی ندارد.

د. اعجاز قرآن

- دلالت این وجه بر عدم «تحریف به افزونی» واضح است؛ زیرا اگر چیزی به قرآن افزوده شده، باید از سنخ الفاظ بشری باشد و یقیناً اعجاز لفظی نمی‌تواند آنها را در بر گیرد. اما «تحریف به نقصان» چگونه با بحث اعجاز لفظی نفی می‌شود؟ زیرا ممکن است گفته شود: الفاظ موجود و حیانی‌اند و از ویژگی اعجاز بهره‌مندند؛ اما چه بسا الفاظ دیگری هم بوده‌اند که حذف شده‌اند و آنها هم از همین ویژگی‌ها برخوردار بودند.